

شب پرستان: بیگمان این نشانه پایان شماست!

امیرجوهری لنگرودی



سیدعلی صالحی شاعر، درباره شیوع فقر در جامعه، چنین می‌نویسد:

چقدر خوشحالم که حتی دربان هیچ سازمان و وزارتخانه‌ای نیستم، وگرنه از شدتِ مسئولیتِ مستقیم...
دق می‌کردم.

هر کودکِ فقیری که گرسنه بخوابد، سیاره‌ای بر سر مُسبب این مرارت خراب خواهد شد.

قرار بود « فقر » را ریشه‌کن کنید؛ « فقیر » را مقصر به میدانِ تازیانه طلب می‌کنید! (۱)

ما همان جوانان و نیروی رنج و کاریم که طی سال‌های گذشته نیز درب تان را به صدا درآوردیم و
دق الباب کردیم، حال دورانِ کرونایی را پشت سر گذاشتیم و دگر باره آمدیم!

فکر کرده‌اید، خم شدیم ما ؟

کشته داده‌ایم، کم شدیم ما ؟

فکر کرده‌اید، شب شد و تمام

بیخیال صبحدم، شدیم ما ؟

فکر کرده‌اید، حلقه‌های دار

بسته راه این گلوی بی قرار؟

گور خوانده‌اید و گور خوانده‌اید!

ما شروع شورشیم

در تدارک سپیده، گرم کوششیم

ما طلوع باوریم

عاشقانه ایستاده تا به آخریم

فکر کرده‌اید، خسته می‌شویم

جای انتشار، بسته می‌شویم ؟

ما شبیه خوشه‌های گندمیم

یک به صد، هزار دسته می‌شویم

باز می‌کنیم، قفل و بست‌تان
نیست می‌شود تمام هست‌تان
راه دیگری نمانده جبر ماست
پیش می‌رویم تا شکست‌تان
فکر کرده‌اید، خم شدیم ما ؟
کشته داده‌ایم، کم شدیم ما ؟
گور خوانده اید! گور خوانده اید!

بار دیگر جنبش نان و آزادی گرسنگان از شهری به شهر دیگر در خیزش و خروش است. در این میان به جای نان دادن به گرسنگان، مطالبه گران نان و آزادی را به زنجیر می‌کشید. گرسنه بودیم، نان می‌خواستیم... به ما وعده دروغ دادند! نگاه به گذشته مغموم‌مان می‌داریم و رنج برجان و تنمان می‌بریم، نگاه به آینده، ترس بر چشمان‌مان می‌نشانند. تو گویی تلاشمان بر آنست که همین امروز را زندگی کنیم و چشم بر حوادث پیش‌روی داشته باشیم و ببینم. برایش بنویسیم، دگر بار برای وصول حقمان به خیابان می‌آییم، وای اگر بتوانیم!

این همه در حالی‌ست که دولت ابراهیم رئیسی، تحت عنوان «اصلاح متناسب سازی قیمت» رسماً بهای روغن، مرغ، تخم مرغ و لبنیات را افزایش داد و مردم معترض در شهرستان ایذه و اندیمشک و شهر کرد به خیابان آمدند و با سرداد شعار «خامنه‌ای حیا کن، حکومت را رها کن»، «رئیس‌ی حیا کن، مملکت را رها کن» خواستار کناره گیری آنها از حکومت شدند.

جدا از شهرهای یاد شده، مردم در دیگر نقاط از جمله: شهرهای سوسنگرد، فلاحیه (شادگان)، بهبهان، اهواز، شیراز، دزفول، سرپل ذهاب، خرم آباد، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، بروجرد، دهدشت، اردبیل، کرمانشاه، رشت، ایرانشهر، کرج، شاهین شهر، فارس، یزد، حلبچه و... از شهری به شهری دیگر در گذر است و مردم خاصه جوانان جویای کار، علیه گرانی و افزایش سرسام آور قیمت مایحتاج روزانه، دست به اعتراضات خیابانی زدند که امروز به تهران نیز کشیده شد. آنچه که دارد اتفاق می‌افتد، یحتمل آخرین میخ بر تابوت نظام است!

باری در جامعه فقرزده و سراسر مطالبه محورما، گروه‌های گوناگون جامعه، مردمان ایران که فقر و فاقه یعنی تنگدستی و ناداری‌اش، همه آحاد آن‌را فرا گرفته، در دل فریادهای بنیان کن امروز، عنصر نان است که مایه اتحاد شده‌ست. وصول نان برابردین و دین مداری حاکمان مردم خوار تلقی می‌گردد، همواره همین ناداری و غم «نان» است که در برابر حفظ جان، مردمان را بسیج می‌کند!

همین‌است که احمد شاملو، شاعر توده‌ها می‌سراید:

از دست‌های گرم تو
کودکان تو امان آغوش خویش
سخن‌ها می‌توانم گفت:
غم نان اگر بگذارد.

شکاف فقر و ثروت در جامعه امروز، بیشتر از دیروز دهان باز کرده و می‌رود تا شورش گرانی و نان و ناداری در زمانه گسترش فقر، بر حفظ جان چیره گردد و مردم خشمگین دیگر بار دمار از روزگار حاکمان بر آرند و پایگاه ثروت و دولت‌شان را فروشکنند و دستار بندان عمامه به سر و عمله ظلم را سرنگون سازند. اگر این رهگذر دیر باشد، غیر قابل کتمان است!

برای سراسر حرف زدن راه دور نرویم، خبرگزاری دولتی ایلنا از قول خبرنگار خود خانم نسرين هزاره مقدم گزارش می‌کند: «جمعیت انبوهی از طبقه‌ی کارگر به خصوص کارگران ساختمانی و

فصلی که مدتهاست توان خرید گوشت کیلویی ۲۰۰ هزار تومان یا برنج کیلویی ۸۰ یا ۹۰ هزار تومان را ندارند، برای سد جوع و رفع گرسنگی در سر کار، از ساندویچ‌های بی‌کیفیت و ارزان مثل فلافل یا پیتزاهای ارزان قیمت استفاده می‌کنند؛ حالا با گران شدن نان فانتزی و رشد چند ده برابری قیمت ساندویچ، همین تغذیه ناکافی و ناسالم نیز از این کارگران دریغ می‌شود.

البته صدمات گرانی نان فقط به گرانی نان فانتزی محدود نمی‌شود؛ بعد از زمزمه‌های نایاب شدن «ماکارونی» در روزهای اخیر، از سیزدهم اردیبهشت، قیمت ماکارونی نیز حدود ۲۰۰ درصد افزایش یافت. بر اساس تصمیم سازمان حمایت، قیمت هر کیلوگرم از این محصول برای مصرف‌کننده ۳۷ هزار تومان تعیین شد. اگر قیمت ماکارونی را با قیمت کالاهای باکیفیت‌تر مثل گوشت مرغ قیاس کنیم، درمی‌یابیم امروز یک کیلو ماکارونی هم قیمت یک کیلو گوشت مرغ در یکسال قبل است! و این نشانه‌ی سقوط سبد غذایی گروه‌های کم درآمد است برای کارگران حداقل بگیری که حتی برای یک فصل، به افزایش ۵۷,۴ درصدی دستمزد خود خوشدل نشدند و به نظر می‌رسد حالا توان خرید ماکارونی یا یک ساندویچ فلافل را دیگر ندارند. این گرانی‌ها در حالی صورت می‌گیرد که تمام بار تورم را بر دوش دستمزد کارگران می‌اندازند؛ آیا گرانی بیش از ۱۳ برابری قیمت گندم صنعتی و گرانی ۲۰۰ درصدی ماکارونی، هیچ دخلی به دستمزد کارگران دارد؛ آیا این سوداگران و دلالان واسطه‌ی این کالاها نیستند که توانسته‌اند با لابیگری، برای خود سودهای نجومی بخرند و زیرپوستی، هزینه‌های اولیه و بدیهی زندگی کارگران را افسارگسیخته افزایش دهند؟! این الگو مدام تکرار می‌شود: کالاها نایاب می‌شوند و بعد از مدتی، با قیمت‌های چندبرابری سر از قفسه‌های فروشگاه‌ها درمی‌آورند.» (۲)

به باور من همین فلاکت اسفبار توده‌های به فقر کشانده شده و جمعیت عظیم گسترش یافته در دل بحران اقتصادی و تحریم‌های فلج‌کننده و ضد انسانی ایالات متحده آمریکا، سونامی بیکاری فزاینده و حاشیه نشینی بخش بزرگی از جمعیت کشور ما را به شکل جهش وار بالا برده است. که جوانان بیکار روستایی و روستائیان بی آب و زمین راهی شهرها بشوند و با چند برابر شدن حاشیه نشینی در طول چند سال گذشته، تعداد آن‌ها به ۳۸ میلیون و یا ۴۵ درصد جمعیت شهری کشور برسد. در برابر گسترش شتابان فلاکت و تلفات سنگین به جا مانده از دوران دو ساله کرونا، تعطیلی بخش‌های وسیع صنایع تولیدی، زندگی بخش‌های مهم از جمعیت کشور و آینده فرزندان جامعه ما را تهدید می‌کند و همین فشارها و تهدیدات است که کل کارگزاران نظام را در هیکل آیت الله‌ها و روحانیت شکم چران و صاحب ثروت و قدرت، رانت خواری همه سویه آیت‌های زمین خوار، جنگل خوار، شکرخوار، ماهی خوار، نفت خوار و همه چیزخوار.. در کنار مافیای در قدرت و آیت الله‌های صاحب ثروت و حشم، مافیای سپاهیان انقلاب اسلامی و پیمانکاران رانتی به هراس انداخته است. این ترس را در نامه هشدار دهنده **محمد تقی فاضل میبیدی**، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، به ابراهیم رئیسی می‌شود به وضوح دید، وقتی خطاب به رئیس دولت می‌گوید: «آقای رئیسی! تا کنون هیچ دولتی در این کشور در سال نخست حکمرانی نان مردم را با این شیب تند گران نکرده بود. پایه‌ای ترین خوراک مردم نان و گوشت و برنج است. به قول مولوی: آدمی اول حریص نان بود، زانک قوت و نان ستون جان بود. آقای رئیس جمهور! این شیوه حکمرانی قابل دوام نیست. در این هشت ماه گذشته از گرانی دارو تا نان، طاقت برخی شهروندان را طاق کرده است. تاکنون عامل گرانی‌ها را یا دولت گذشته دانسته، یا بدحجابی گفته و یا شبکه دلالی ذکر کرده‌اند. خب! این دولت و مجلس قول داد که اینها را حل می‌کند. چرا بدتر شد؟» عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، فاضل میبیدی در خطاب به ابراهیم رئیسی به همه کارگزاران نظام هشدار می‌دهد: «اگر کشور سامان نیابد، و گرانی‌ها مهارنگردد، انقلاب نمی‌شود، خدا نکرده باید منتظر شورش گرسنگان بود، شورش از انقلاب خطرناکتر است.» (۳)

بله ! این سر راست «شورش گرسنگان» است، گرسنگانی که آزادی را هم طالبند! آنکه پایه و بنیادش سست و بی بنیاد است باید به خاطر بسپارد: اگر برای مردم از طریق فراهم آوردن نان و دستیابی آنها به آزادی و دموکراسی، نتوانیم کاری بکنیم؛ از طریق اختناق و زور و قلداری، زندان و شکنجه و درخت اعدام برپا داشتن نیز برای مردم ناراضی نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. کاری که طی بیش از چهاردهه کردید و نظاره گرش شدید، صد البته می‌بینید که این مردم عقب نمی‌نشینند و پا پس نمی‌نهند!

امروز مرغ ۶۴ هزار تومن و تخم مرغ ۹۸ هزار تومان شد. یعنی شاهد دهان وا کردن قیمت‌های نجومی جدید از کالاهای اساسی، ارزاق مورد استفاده مردم بودیم. و اگر بخواهیم کرایه مسکن را بدان اضافه کنیم، که حداقل هزینه اجاره ماهیانه یک خانه در شهرستان‌های کوچک، حدود دو میلیون و ۴۵۴ هزار تومان است.

در این باب هادی موسوی نیک، مدیر دفتر مطالعات رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌گوید: «مسکن مقرون به صرفه که به عنوان معیار در نظر گرفته می‌شود، در مقایسه با دیگر کشورها در برخی استان‌ها وضعیت حادتر است و بالغ بر ۸۰ درصد خانوار مستاجر در تهران سهم هزینه مسکن‌شان از سبد هزینه خانوار، بیش از ۳۰ درصد است. خانوارهای ایرانی نجیبانه از هزینه‌های دیگر زندگی می‌کاهند تا هزینه مسکن را تامین کنند که تا حدی اجتناب‌ناپذیرتر از سایر هزینه‌هاست. میان استان‌ها، بالاترین نرخ اجاره ماهانه برای خانوارهای در مرز خط فقر مربوط به تهران و در حدود سه میلیون و ۸۲۲ هزار تومان است و پایین‌ترین نرخ مربوط به خراسان جنوبی و در حدود ۸۳۷ هزار تومان است. او تاکید کرد: «خانواده‌ها حتی از هزینه غذا و کالای اساسی می‌زنند تا بهای مسکن را تامین کنند». (۴)

علاوه بر آمار موجود درباره جمعیت شهروندانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، سیر صعودی عجیب و غیرقابل باور اقلام خوراکی ضروری سفره طبقات فرودست و ضعیف تا ۸۰ درصد طی ۶ ماه گذشته افزایش یافته است. سفره مردم روزانه خالی‌تر، جیب مفت‌بران، جلادان و حکمرانان جمهوری اسلامی پرتز می‌شود اما آنچه از اعتراضات سال‌های اخیر برمی‌آید، امید به پایان رسیدن چنین وضعیت ناگوار معیشتی را در دل‌ها زنده می‌کند. مردم با رجعت به حافظه خود می‌گویند: شب پرستان: بیگمان، این آغاز پایان شماست!

چه می‌توان کرد؟

باید بی پرده و بدون تکلفی از بالا به یکدیگر پاسخ بدهیم، ما تجربه چندین حرکت و خیزش بزرگ را در برابر خود داریم. به پا خاستن مردم درخوزستان و کشاورزان زاینده رود اصفهان، این اواخر پیرامون بی‌آبی و پیشتر از آن‌ها، جنبش وسیع ضد استبدادی خرداد ۸۸، خیزش وسیع دی ماه ۹۶، خیزشی که منشاء آن سرخوردگی مردم از جمهوری اسلامی قطعیت یافته و اکثریت قاطع جمعیت کشور هر نوع امید به اصلاح رژیم را کنار گذاشته و آشکارا علیه همه ارکان ایدئولوژیک و جناح‌های آن شعار دادند: «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا» و دو سال بعدتر به میدان آمدن نیروی وسیع در آبان ۹۸، همه روبروی مردم با کل حاکمیت بود.

از خیزش آبان ۹۸ به این سو، پاپگاه طبقاتی و توده‌ای آلترناتیو سوسیالیستی در پیکارهای مطالباتی بخش‌های گوناگون جنبش، همه لایه‌های کارگران و زحمتکشان به شکل بی‌سابقه‌ای در مقایسه با دهه‌های گذشته همه جانوران جمهوری اسلامی، وارد صحنه شده و همین واقعیت عریان در پویه رویارویی‌ها، به نوبه خود ضعف مزمن و حاشیه‌ای بودن چپ سازمانی را به دلیل قطع ارتباط فعال با واقعیت جنبش مبارزاتی درون جامعه، نمایان ساخت. بدون تعارف نباید تردیدی داشت که شکستن بن بست کنونی برای رهائی از تمامیت جهنم جمهوری اسلامی و گشودن مسیر رهایی و آزادی، دموکراسی و برابری در گرو ضرب آهنگ شکل‌گیری آلترناتیو سوسیالیستی و دخالتگری فعال با

حفظ استقلال عمل نیروهای اجتماعی و به سامان رسیدن تشکل های مستقل آنان (مستقل از حاکمیت- دولت سرمایه- کارفرما- نهادهای شبه کارگری- سازمان ها و احزاب) قرارداد و می رود که با تلاش سازمان یافته تری، مسیر انقلابی خود را بیاماید!

درس های شکست این حرکت ها، رهایی از این و آن جناح حکومتی و در کوره دمیدن شعار گسترده: «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا» راه هر نوع مماشات طلبی با این و آن را در درون دستگاه و چشم داشتن به این و آن جناح را فرو بست. فراتر از این، عدم چشم داشتن به دخالتگری بیگانه و سیاست رژیم پنج در برابر تحریم های فلج کننده ایالات متحده آمریکا و افزون بر آن تشدید تنش های نظامی از جمله عواملی است که می تواند به محتاط شدن جنبش های مطالباتی و توده های منجر شود. رژیم جمهوری اسلامی امروز هم از طریق ناکامی فرجام ایالات متحده آمریکا دراز دستور کار خارج نکردن سپاه پاسداران همچنان برای شکاف انداختن در میان مردم بهره برداری می کند. آن بخش از اپوزیسیون امروز نیز همچون دیروز، با عدم اعتماد به قدرت مردم در رودررویی با کلیت نظام، همچنان رژیم چنجی باقی مانده اند! باور به دخالتگری نیروهای خارجی، در پاسخ به دشواری های موجود درون جامعه، صف یگانگی، اتحاد و همبسته بودن همه جنبش های مطالباتی درون کشور را در هم ریخته و فاصله طبقاتی را معنی می بخشد. باید با صدای بلند اعلان داشت: تنها مردم به سامان یعنی مردم متحد و سازمان یافته و متشکل قادر به تغییرند و لا غیر.

امروز اگر اعتراضات گسترده و توده های درون جامعه، از روستایی به روستای دیگر یا از شهری به شهری دیگر و از استانی به استان مجاور وسعت یابد، هیچ قدرتی - جز به کارگیری سرب داغ - حریف مردم متشکل و سازمان یافته حاضر در صحنه مبارزه نخواهد بود. الزام این امر سازمان یابی مستقل و متشکل نیروهای اجتماعی مطالبه گر ما است.

باید دریابیم امروز در برابر موج وسیع گرانی نان که حجم گسترده زندگی توده مردمان کشورمان را پوشش می دهد، پیدا کردن شعار مشترک از عناصر اصلی صف همگرایی ها در دل خیزش مردمی بزرگی که آغاز شده، بشمار می رود!

در دل چنین شرایط پر عمقی، سازمان یابی مستقل و حتی سراسری بخش های مختلف کارگران و زحمتکشان در کشورما، دیگر یک آرزوی دست نیافتنی و خیالی نیست، بلکه یک واقعیت عریان در حال شکل گیری است. تردیدی نیست که این جنبش در میان همه لایه های گوناگون زحمتکشان بخش خدمات و به ویژه خدمات رسته ای، یعنی شاخه های مختلف حمل و نقل شهری و بیابانی (اتوبوس، سرویس قطار و کشتی رانی، هواپیمایی) می تواند با شتاب بیشتری پیش برود، زیرا در جامعه امروزی بسیاری از شاخه های خدمات مانند: آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، نظافت شهرها، عمدتاً به این شاخه های مختلف حمل و نقل مربوط است؛ از همین رو کارکنان این بخش ها اگر به تلاش پیگیری برای اتحاد و سازمان یابی مستقل برخیزند، به سرعت می توانند به سنگربندی مستحکمی در مقابله با رژیم اسلامی دست یابند. به علاوه، تشکل های پراکنده بخش خدمات با شتاب بیشتری می توانند سراسری بشوند و همین همبسته بودن، می تواند الگوی پر جاذبه ای برای سازمان یابی همه کارگران و زحمتکشان شود.

کشاندن مردم به صف های طویل تهیه مایحتاج، تنها دل مشغول کردن همین مردم است. امروز همچون دیروز: فراهم آوری صف نان، صف مرغ، تخم مرغ و گوشت، حیلۀ دیگر تجار دست آموز و دستگاه سرکوب برای غارت و وقت گذرانی مردم و پر کردن جیب های گشاد خودشان است. باید اعتراض را از همان صف ها به خطوط ارتباط یافته و سازمان دهی شده اعتراضات محلات شهری و اعتراضات محیط کار بدل نمود.

در برابر رودررویی با اوج گرفتن مقابله با گرانی، سر دادن شعار عمومی و توده ای: «زندانی سیاسی و عقیدتی، به یاری توده ها آزاد باید گردد»، «معلم و کارگر اخراجی، باید به کار بازگردد»، «نه به گرانی، نه به فقر، نه به ریاضت اقتصادی» و شعارهایی از این نوع می تواند، پایه حرکت جمعی اعتراضات خیابانی شود. باید توده ای ترین و بسیج کننده ترین شعار ها را برگزید!

مردم در کارزار رودررویی‌های خود با نظام، بر سر وصول مطالبات بی پاسخ مانده خود، دنبال وصله و پینه کردن حرف و حدیث‌ها نیستند، چاره را در سازماندهی و سازمانیابی و متشکل شدن و تجمع نیروی طبقاتی خویش یعنی اکثریت ۹۹ درصدی‌ها در برابر ۱ درصدی‌ها جستجو می‌کنند.

یک چیز روشن است و آن نیز با درس آموزی از گذشته فراهم می‌آید؛ اگر سازمان نیابیم، اگر پیوسته و یکی نشویم تا برای مقابله با گرانی‌ها و وضعیت بحرانی موجود، رشد روز افزون فقر و فلاکت توده‌ای و همچنین ایجاد تغییرات اساسی و تعیین کننده در کشور، اگر راه همگراه شدن را برنگزینیم؛ راه به جایی نخواهیم بردوبار دیگر، عمده سرکوب می‌توانند مارابه غل و زنجیر کشند. پس همبسته شویم!

برای به سامان بردن اعتراضات راهی جز اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر میان بخش‌های مختلف اعتراضات و مبارزات زنان، پرستاران و بهیاران، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان شاغل و روزمزد و قراردادی، کانونیان اهل قلم، بازنشستگان و فعالان محیط زیست، جوانان محلات، لشکر میلیونی بیکاران، کارگران کشاورزی و لایه های مختلف طبقه کارگر و بسیج چند میلیونی نیروی حاشیه تولید... وجود نداشته و نخواهد داشت.

این صف عظیم همگرایی، نقطه پایانی است بر جدایی‌ها و صف‌های ناپیوسته، که طی بیش از چهار دهه روی هم تلنبار شده است. گرانی نان، ماکارونی و دستمزد پائین و سایر مایحتاج روزمره گذران زندگی، نقطه جوش و غلیان وسیع‌ترین توده شهری و روستایی و جمعیت چند ده میلیونی حاشیه نشین نیروی توامان توده گرسنگان و مردم نادار، فصل مشترک این جابجایی‌هاست... این نظام نمی‌تواند به خواسته های مردم پاسخ گوید و نمیتواند به مردم نان بدهد. آنان به جای نان، دندان مردم را می‌شکنند!

خوب است که بپذیریم که امروز انبوه توده گرسنگان در هیکل همه نیروی مطالبه گر جامعه تجلی می‌یابد که پیکره عمیق و وسیع آن در همه جغرافیای کشور ریشه دوانده است و همه این توده بی‌شکل، نه نظاره گر، بلکه دخالتگر هستند. حلقه مفقوده سراسری کردن وجوه جنگ مطالباتی موجود، تعمیق بخشیدن به امر مبارزه و دست پیدا کردن به سازماندهی و ایجاد تشکیلات مستقل طبقاتی است. مادامی‌که این ظرف سازماندهی مستقل شکل نگیرد، پیشبرد این مبارزه سراسری نیز ناممکن است.

برای چنین همکاری‌ها و همراهی‌هایی، کسی به کسی نمی‌پیوندد، بلکه همه دست‌شان را به سوی هم دراز می‌کنند و همه به هم می‌پیوندد. همه فعالان عرصه مطالبه گری باید وظیفه خود بدانند که مرادوات، همگرایی‌ها و همبستگی و همکاری‌های خود را با همه جانبداران به امر مبارزه قانونمند مطالباتی در سطوح و اشکال گوناگون گسترش دهد. این راه مسیر پرتلاطم مبارزه ما را نشان میدهد، راه دیگری نیست. رژیم اسلامی باید به قدرت توده جامعه ما برود. مبارزه موجود را به بیراهه سوق ندهیم. تاریخ ما را نمی‌بخشد!

یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ برابر با ۱۵ می ۲۰۲۲

پیوست‌ها:

(۱) کانال تلگرامی سید علی صالحی

<https://t.me/seyedalisalehi2>

(۲) خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، تاثیر گرانی نان بر معیشت مردم ...، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1226524>

۳) کانال تلگرامی گروه اتحاد بازنشستگان

<https://t.me/GEtehadbazneshastegan>

۴) خبرگزاری ایسنا، نرخ خط فقر مسکن در سال ۱۴۰۱، ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱

<https://www.isna.ir/news/1401021811243>

مجله روزشمار کارگری شماره دو هفته او لو دوم اردیبهشت ۱۴۰۱

<http://karegari.com/maghalat/2022/05/15/rooz%20shomar%20Nr%202.pdf>